

یادداشت

باگو به واشنگتن اعتماد نکند



حسین پاک‌آمین

سفیر سابق ایران در آذربایجان

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در تاریخ یازده اردیبهشت در دیدارهای جداگانه‌ای با آارات میرزویان، وزیر امور خارجه ارمنستان و جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان و همچنین در یک دیدار سه جانبه، تمایل واشنگتن برای ورود در بحران قفقاز را نشان داد. برای بررسی علل فعال شدن آمریکا در این بحران، نکات زیر قابل توجه است. نخست اینکه علت اصلی بحران قفقاز، عدم حل مسأله قره باغ است که این موضوع در سیاست خارجی آمریکا دارای اولویت نبوده است. آمریکا به عنوان یکی از روسای سه گانه گروه مینسک از آغاز مناقشه قره باغ تاکنون فقط به کلی گویی و دعوت طرفین به مذاکرات مسالمت‌آمیز بسنده کرده و به عنوان موثرترین عضو شورای امنیت سازمان ملل، اقدامی برای اجرای قطعنامه‌های چهار گانه این شورا و رفع اشغال ارضی جمهوری آذربایجان نداشته است. پس از وقوع جنگ اوکراین و رویارویی جدی ناتو با روسیه، آمریکا تصمیم گرفت با فعال سازی سیاست خود در قفقاز جنوبی، حوزه تقابل خود با روسیه را گسترش داده و مسکو را در این منطقه منزوی سازد. در این مسیر، اروپا نیز با آمریکا همراه شد و بروکسل، مقر اتحادیه اروپا برای حل اختلافات آذربایجان و ارمنستان به صحنه آمد. در واقع حضور امروز آمریکا در بحران قفقاز نه به‌خاطر دوستی با باکو و ایروان و نه به‌خاطر علاقه‌مندی به حل این بحران بلکه برای انزواي روسیه در قفقاز و شکست سیاست‌های مسکو در این منطقه است. دیگر اینکه در جلسه ویرجینیا نیز آمریکا رویکرد سنتی خود را حفظ کرد و بدون ارائه راه حل برای مسأله قره باغ، با توصیه‌های دیپلماتیک از آذربایجان و ارمنستان خواست تا مذاکرات مسالمت‌آمیز را برای دستیابی به صلح ادامه دهند. البته ابراز نگرانی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا از استقرار پست بازرسی جمهوری آذربایجان در گذرگاه لاجین و حمایت آمریکا از رویکرد صلح‌طلبانه ارمنستان، موید جانبداری واشنگتن از ایروان بود. آمریکا تحت تاثیر لابی قوی ارمنه در این کشور معمولاً در مناقشه قره باغ به نفع ارمنستان موضع گرفته و در سال‌های اخیر نیز حضور پاشینیان به عنوان یک نخست‌وزیر غربگرا در ارمنستان، آمریکا را به حمایت از ایروان مصمم ساخته است. لابی ارمنه یکی از لابی‌های قومی قدرتمند در آمریکا است و دو هدف اصلی یعنی شناسایی قتل عام ارمنه توسط امپراتوری عثمانی و شناسایی استقلال قره باغ را دنبال می‌کند. سیاست ارمنستان این است که لابی یهود را نیز با لابی ارمنه همراه سازد و در این رابطه چند سال قبل ادوارد نعلبدیان، وزیر امور خارجه این کشور عازم اسرائیل شد و در اولین دیدار با راون ربویلین رئیس وقت این رژیم ملاقات کرد. ربویلین در مقایسه با شیمون پرز به طور آشکار از لابی ارمنه حمایت می‌کرد و همفکران وی از جمله «یولی ادلشتین» رئیس پارلمان و «ژنو الکین» معاون وزیر امور خارجه اسرائیل نیز موضعی یکسان با وی داشتند. روسیه اگر چه با میانجیگری بین باکو و ایروان در جنگ ۴۴ در قفقاز نقش آفرینی کرد، اما به دلیل عدم حل مسأله قره باغ در توافق مسکو، جنگ‌های پراکنده آذربایجان و ارمنستان ادامه یافت و فرصت برای ورود بازیگران غربی برای حل این معضل فراهم شد. واقعیت این است که مانع اصلی عدم حل بحران قفقاز، نه گذرگاه لاجین و نه مسیر زنگزور است و تا زمانی که مناقشه قره باغ در چارچوب اصل تمامیت ارضی کشورها حل نشود، صلح و ثبات ایجاد نخواهد شد. در سایه اجرای این اصل و عدم تغییر مرزهای بین‌المللی، قره باغ به سرزمین اصلی خود یعنی جمهوری آذربایجان بر خواهد گشت و مسیر زنگزور در استان سونیک ارمنستان نیز در چارچوب تمامیت ارضی این کشور به یک مسیر موثر ترانزیتی تبدیل خواهد شد. روسیه اگر می‌خواهد مانع حضور آمریکا و اروپا در این مناقشه شود باید با حل مشکل قره باغ، توافق مسکو را تکمیل نماید. در نهایت، جمهوری آذربایجان نیز باید توجه کند که کاخ سفید با اصلاح سیاست ناموفق خود در قفقاز جنوبی به دنبال حل بحران قفقاز نیست؛ سعی در انزواي روسیه دارد و این رقابت کمکی به حل مشکل قره باغ و بازگشت این منطقه به آذربایجان نخواهد کرد. مواضع گلابه آمیز بلینکن نسبت به جمهوری آذربایجان و حمایت آمریکا از سیاست صلح طلبانه ارمنستان و در مجموع جانبداری واشنگتن از ایروان در جلسه ویرجینیا، موید این است که باکو نباید به آمریکا اعتماد کند. بهتر است جمهوری آذربایجان به منطقه بر گردد و در کنار روسیه و ایران حل مشکل قره باغ را در چارچوب تمامیت ارضی کشورها و عدم تغییر مرزهای بین‌المللی و همچنین فراهم کردن شرایط مناسب برای اقلیت ارمنه دنبال کند.

خبر

سیدحسین نقوی حسینی:

استیضاح به نفع دولت است

یک نماینده پیشین مجلس اظهار داشت: مطابق قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس، استیضاح حق نمایندگان مجلس است و آقای رئیسی هم هیچ وقت مدعی نبوده که همه مدیرانش بدون ایراد و اشکال هستند. آقای رئیسی از جمله روسای جمهوری هستند که خواهان برخورد با مدیرانی هستند که نمی‌توانند حوزه خود را به درستی مدیریت کنند. همه هم دیدیم او در سفر خوزستان با بسیاری از مدیران برخورد کرد. مجلس هم ناظر بر دولت است. این مجلس است که دولت را در مسیر درست قرار می‌دهد. وقتی نمایندگان مردم به این جمع‌بندی می‌رسند که وزیر نمی‌تواند حوزه مسئولیت خود را به درستی اداره کند از حق قانونی خود مبنی بر استیضاح استفاده می‌کنند. در همه دولت‌ها و مجالس چه همسو بوده‌اند یا نبوده‌اند مسأله استیضاح وجود داشته است. سید حسین نقوی حسینی گفت: بیشترین انتقادها در حوزه خودروه به آقای فاطمی امین ابراز می‌شد در صورتی که مشکلات صنعت خودرو با رفتن یک وزیر و آمدن فرد جدید که حل نمی‌شود. باید شرایط کلی حاکم بر صنعت خودرو تغییر کند. بسیاری از مشکلات در این زمینه وجود دارد که نیاز به تصمیمات مهمی دارد. اتفاقاً استیضاح برای بهبود عملکرد وزارت صمت، به نفع دولت است. آقای رئیسی هم شخصاً در مجلس حاضر شد که نشان می‌دهد به مجلس اعتنای لازم را دارد و حق دولت و آقای رئیس‌جمهور هم بود که از وزیر پیش دفاع کند که همه اینها به معنای اختلاف بین مجلس و دولت نیست.

نعمت... فاضلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سواد انتقادی برای جامعه وجه‌رهایی‌بخش دارد



باید از دل تاریخ و فرهنگ خود سواد انتقادی بیرون بیاوریم

سواد انتقادی به معنای خلق شایستگی‌های سیاسی است

سواد انتقادی به خلق سوژه‌شجاع برای پرسشگری منجر می‌شود



خوانایی و نویسایی شیوه‌ای از اندیشیدن است که در آن استدلال کردن، حجت آوردن، دقت کردن، بحث کردن و فهم جهان به شیوه‌ای منظم و منطقی و در عین حال نقادانه انجام می‌شود. خوانایی و نویسایی عبارات است از ظرفیت‌های وجودی که فرد از طریق آن می‌تواند مجموعه پیچیده زندگی شهری، کلانشهری و اقتصاد سیاسی تحلیل و فهم کند. خوانایی و نویسایی است که امکان ارتباط خلاق و فعال را برای فرد فراهم می‌کند. سواد در معنایی که در جهان معاصر و مدرن شکل گرفت چیزی فراتر از مهارت‌های فنی است که ما در زمینه استفاده از الفبا به کار می‌گیریم. سواد مفهومی است که برای توضیح بینش و منش انسان معاصر و مدرن به کار می‌رود. در چشم انداز سنتی و تاریخی ایرانیان نیز سواد به این شکل فهم می‌شد. این در حالی است که هنگامی که در جهان معاصر مفهوم سواد همگانی به معنای الزام به فراگیری سواد در جامعه برای همه افراد مطرح شد مفهوم سواد جایگاه تازه‌ای پیدا می‌کند.

پنجشنبه ۱۴۰۲/۰۲/۱۴
شوال ۱۴۴۴/۰۴/۲۳ ه ۲۳

سال پنجم

شماره ۱۵۴۲

armanmeli.ir

نیست و بلکه شکل‌های پیچیده‌ای از تفکر و وجوه مهمی از ظرفیت‌های اخلاقی و عاطفی ما را در برمی‌گیرد. سواد انتقادی شکلی از پرورش سوژه شجاع را که آمادگی دارد شهامت خود بودن، شهامت اندیشیدن، پرسش کردن و شهامت‌های دیگر را برای زندگی در دنیای امروز را دارد.

آیا مفهوم سواد در عصر کنونی تغییر کرده است؟ سواد انتقادی در کجای این تحولات قرار دارد؟

معنای سواد همان معنای سواد پایه یعنی توانایی خواندن و نوشتن است. شاید از ابتدا این موضوع پیش پا افتاده، سطحی و ساده به نظر برسد و در چارچوب کار با نظام نشانه‌های الفبایی در نظر گرفته شود. همین رویکرد که خواندن و نوشتن را سطحی و ساده می‌داند باعث شده این دو موضوع اهمیت خود را در جامعه ما از دست بدهد و موضوعی مهم قلمداد نشود. این در حالی است که خواندن و نوشتن تنها به معنای کار با الفبا و استفاده از آنها برای خواندن و نوشتن نیست. خواندن و نوشتن در عین حالی که دوروی یک سکه هستند اما هر کدام مجموعه وسیعی از قابلیت‌ها، شایستگی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و فرهنگی را شامل می‌شوند. اگر این قابلیت‌ها و توانایی‌های مختلف ملاحظه نشوند دانش آموز با سواد نمی‌شود. انسان باسواد به تعبیر «فرانک فوردی» که در کتاب «قدرت خواندن» آن را تشریح می‌کند انسانی است که الگوی ارتباطی اش با جهان، الگویی مبتنی بر خوانایی و نویسایی است. خوانایی و نویسایی اموری مستقل و مجزا از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه نیستند. امروزه میلیون‌ها دانش آموز، دانشجو و دانش‌آموخته داریم که مهارت خواندن و نوشتن را می‌دانند اما خوانا و نویسا نیستند. به تعبیر عمومی‌تر باسواد نیستند. الگوی آنها در زندگی فردی، اجتماعی، شغلی و به طور کلی زندگی، الگوی خوانایی و نویسایی نیست. خوانایی و نویسایی شیوه‌ای از اندیشیدن است که در آن استدلال کردن، حجت آوردن، دقت کردن، بحث کردن و فهم جهان به شیوه‌ای منظم و منطقی و در عین حال نقادانه انجام می‌شود. خوانایی و نویسایی عبارت است از ظرفیت‌های وجودی که فرد از طریق آن می‌تواند مجموعه پیچیده زندگی شهری، کلانشهری و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را تحلیل و فهم کند. خوانایی و نویسایی مجموعه‌ای از قابلیت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی است که امکان ارتباط خلاق و فعال را برای فرد فراهم می‌کند. سواد در معنایی که در جهان معاصر و مدرن شکل گرفت چیزی فراتر از مهارت‌های فنی است که ما در زمینه استفاده از الفبا به کار می‌گیریم. سواد مفهومی است که برای توضیح بینش و منش انسان معاصر و مدرن به کار می‌رود. در چشم انداز سنتی و تاریخی ایرانیان نیز سواد به این شکل فهم می‌شد. این در حالی است که هنگامی که در جهان معاصر مفهوم سواد همگانی به معنای الزام به فراگیری سواد در جامعه برای همه افراد مطرح شد مفهوم سواد جایگاه تازه‌ای پیدا می‌کند.

سواد انتقادی به چه میزان در دنیای امروز بین کشورهای مختلف جهان کاربرد پیدا کرده و مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

مفهوم سواد انتقادی هم در معنای معرفت‌شناسانه و هم در معنای جامعه‌شناسانه آن گسترش پیدا کرده است. نظام‌های آموزشی دموکراتیک و توسعه یافته جهان تلاش می‌کنند که کمک مفهوم سواد انتقادی ارزش‌ها، نگرش‌ها، روش‌ها و بینش‌هایی را در مدارس به دانش‌آموزان بیاموزند که در مسیر آن دانش‌آموزان بتوانند برای مسائلی که در دوران بزرگسالی با آنها مواجه می‌شوند آمادگی پیدا کنند. سواد انتقادی رویکردی در راستای سوادآموزی آینده‌گرا به آموزش است. در نظام آموزشی همه چیز با نشانه‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفاهیم نیز در گفتمان مدرسه خلق شده‌اند تا آن بخش از وظایف اخلاقی، اجتماعی و سیاسی که در راستای پرورش سوژه خلاق، آگاه و شجاع برعهده مدرسه قرار دارد را توضیح بدهد. به همین دلیل سواد انتقادی از رنگ، تاریخ و زبان ملت‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد.

ما چگونه می‌توانیم از دل تاریخ و فرهنگ خود سواد انتقادی برای عصر کنونی را استخراج کنیم و به کار ببریم؟ ما می‌توانیم از درون زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات اقوام ایرانی مانند کردها، ترک‌ها و... سواد انتقادی بیرون بیاوریم. این وضعیت درباره مذهبی که در ایران وجود داشته نیز وجود دارد. ما می‌توانیم از این منابع فرهنگی و تاریخ الهاماتی داشته باشیم که به نوعی جهت‌گیری‌های بخش، اخلاق‌گرا، مسئولیت‌آفرین و شهامت‌را را برای سواد انتقادی و پرورش سوژه باسواد نقاد فراهم کنیم. همه میراث فرهنگی، ادبی و تاریخی ملت‌ها، قابلیت تفسیر دارند. این همه ماست که بتوانیم از مجموعه دین‌ها، هنرها و ادبیات‌های مختلف که در تاریخ این سرزمین خلق شده برای نیازهای امروز استفاده کنیم. البته در نظام‌های آموزشی ما ماگزینش می‌شود. در نتیجه نوعی بدبینی در نظام آموزشی ما نسبت به تاریخ و فرهنگ خود به وجود آمده است. با این وجود مدرسه در دوران پسا انقلاب ۵۷ به نهد

پرورش سربازانی برای حکومت تغییر وضعیت داد. از این دیدگاه در دوران پسا انقلاب مدرسه دستگاهی است که هدف آن جامعه‌پذیری سیاسی و ایدئولوژیک نسل جدید برای تحقق آرمان‌های دینی است. در مدارس دوران پسا انقلاب اگر چه اشکال جدیدی از مدارس اعم از غیر انتفاعی و مدرسی که تاحدودی متفاوت با مدارس دولتی بودند ظاهر شدند و به تدریج نیز گسترش یافتند اما پیش از ۸۵ درصد مدارس کشور تحت الگوی متمرکز دولتی سازماندهی و هدایت می‌شوند. حتی مدارس غیر انتفاعی و نیمه مستقل نیز ناگزیر از تبعیت از اصول رسمی هستند. در چارچوب مدرسه پسا انقلاب خوانایی و نویسایی اگر چه ظاهر پذیرفته شده است اما برآیند واقعی آموزش و پرورش خوانا و نویسا کردن شهروندان و نسل جدید نیست. در دوران پسا انقلاب اگر چه مدرسه فراز و نشیب‌هایی داشته است و سیاست آموزشی دولت‌های مختلف تفاوت‌هایی دارند اما رویکرد اصلی همچنان تغییر نکرده است.

کننده است یا خیر؟ یا اینکه بپرسد چه کسانی این متن‌ها را خلق می‌کنند و پاسخگویی منافع و مقتضیات چه گروه‌هایی است؟ و یا اینکه این متن‌های نوشتاری یا شفاهی از

کجا آمده‌اند؟ نکته دیگر پرسش از جهت‌گیری سیاسی و ایدئولوژیک این متن‌هاست که مطرح می‌شود. از سوی دیگر در روایت سواد انتقادی از منظر جامعه‌شناسی وجهه‌هایی بخش‌متن‌های گفتاری و نوشتاری مورد نظر است.

سواد انتقادی با وجه‌رهایی‌بخش در عصر کنونی به چه معناست؟

مشکل است متن یا پیامی اعم از گفتاری، نوشتاری یا تصویری منطقی و قانع‌کننده و مستدل باشد اما این پرسش درباره آن مطرح می‌شود که پیامدهای این متن چیست؟ پرسش دیگر این است که این متن‌ها به چه میزان ما را توانمند یا تضعیف می‌کنند؟ این متن‌ها به چه میزان به ما کمک می‌کنند که در مواجهه با مسائلی مانند تبعیض جنسیتی، قومیتی و اجتماعی یا سیاسی به چه میزان قابلیت‌های‌بخشی را برای ما به وجود می‌آورد؟‌هایی بخشی در اینجا به معنای توانایی‌رها شدن از اشکال مختلف سلطه است. سواد انتقادی به معنای خلق شایستگی‌ها و توانایی‌هایی است که فرد را از حیث اخلاقی، عاطفی و سیاسی بار می‌آورد. سواد انتقادی پیوند نزدیکی دارد با مجموعه قابلیت‌های انسانی ما. سواد انتقادی در سوبه جامعه‌شناسی آن صرفاً مهارت و تکنیک

نگره

دولت سیزدهم رکورددار تغییر در کابینه

استیضاح فاطمی امین، وزیر وزارت صمت دولت سیزدهم بار دیگر باعث ایجاد تغییر در کابینه سید ابراهیم رئیسی شد. کابینه دولت رئیسی پر تغییرترین کابینه تاریخ جمهوری اسلامی ایران است. تاکنون چند وزیر از این کابینه استعفا داده، برخی عزل شده و برخی هم استیضاح شده‌اند، اما این تغییرات چه گستره‌ای داشته و به چه علت رخ داده است؟ استعفاي وزرای کار، راه و شهرسازی و آموزش و پرورش و همچنین برکناری وزیر جهاد کشاورزی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، تغییر رئیس سازمان امور مالیاتی و در آخر استیضاح وزیر صمت تغییرات اصلی و عمده کابینه دولت سیزدهم هستند. همچنین، اخباری در رابطه با استیضاح خاندوزی، وزیر اقتصاد و نیز استعفا یک یا دو وزیر دیگر به گوش می‌رسد. این میزان تغییرات در کمتر از ۲ سال نشان از بی‌ثباتی دولت دارد. نکته مهم این است که غالب وزرا و اعضای تغییر کرده از مسئولان اقتصادی دولت بوده‌اند. افزایش تورم، بالا رفتن قیمت اجناس مختلف، وضعیت نابسامان خودرو و مسکن و... از مشکلات جدی و اصلی دولت در یک سال اخیر بوده است. این در حالی است که دولت سیزدهم با وعده تحول در اقتصاد روی کار آمد و عبارت «جراحی اقتصادی» نامت‌ها بر سر زبان تیم اقتصادی کابینه بود. با این حال، طرح‌های اقتصادی کابینه جدید به ثمر نرسشت و دولت با تومی بی‌سابقه رویه‌رو شد. همین امر باعث استعفا، عزل و استیضاح وزرای اقتصادی دولت شد و این تیم تقریباً تمام اعضای اصلی خود را از دست داد. یک مساله در بین اعضای اقتصادی دولت سیزدهم بیش از همه برجسته است. بیشتر اعضای تیم اقتصادی دولت به نوعی به دانشگاه امام صادق (ع) وصل بوده و هستند. دانشگاه امام صادق (ع) نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری کابینه دولت سیزدهم داشته است. نه فقط تیم اقتصادی دولت، بلکه سایر بخش‌های کابینه هم وزرا و اعضای اصلی خود را از بین فارغ‌التحصیلان این دانشگاه جذب کرده‌اند. با این حال، تمرکز ما در این گزارش بخش اقتصادی کابینه دولت است. نکته مهم در رابطه با تیم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع)، پشتوانه نظری و تئوریک آن است. مسعود درخشان، اقتصاددانی که چند روز پیش در برنامه جهان‌آرا حضور یافت و با موسی غنی‌نژاد به مناظره نشست استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) و مهم‌ترین تئوریسین اقتصادی این دانشگاه است. درخشان همچنین یکی از تئوریسین‌های نزدیک به جبهه پایداری و سعید جلیلی است. چند روز پیش تصویری از یکی از جلسات قدیمی جلیلی با مسعود درخشان منتشر شد که در آن، فاطمی امین هم حضور داشت.

فکر درخشانی که اقتصاد را از درخشش می‌اندازد

مسعود درخشان از جمله تئوریسین‌هایی است که عقاید بلندپروازانه اما غیر عملی دارد. او حتی معتقد به بقای تحریم‌هاست و در فیلم تبلیغاتی ریاست جمهوری سعید جلیلی گفت؛ اگر همین فردا تحریم‌ها لغو شد آن وقت من می‌گویم که ما همه باید عزای بگیریم. از نظر من در تاریخ صد ساله کشور از آغاز تاریخ کشف نفت در کشور تاکنون هیچ لطف الهی از ناحیه نفت بر مردم ایران نیامده جز این تحریم اخیر. او همچنین اغلب کسبه ایران را نیروهایی معرفی کرد که به اقتصاد کشور ضربه می‌زنند او گفته است: «این مسخره‌بازی بود که خبرگزاری‌های خارجی به راه انداخته بودند که اگر دلار برسد به قیمت ۲۰۰۰ تومان، نظام واژگون می‌شود، ولی الان دلار به بیش از ۳۰۰۰ تومان رسید و بحمدالله. نظام اسلامی پابرجا و محکم است.» در خشان همچنین از جمله منتقدان مذاکرات هسته‌ای در وین بوده است. او در یک مصاحبه گفته بود: این یک ذهنیت غلطی است که در مسئولان کشور شکل گرفته که اگر توافق وین اتفاق بیفتد می‌توانیم ۲ میلیون و دو بیست هزار بشکه صادر کنیم... از همین‌رو من متعجب هستم که چرا مذاکره کنندگان وین آنجا نشستند. مگر اینکه در مورد امور دیگری مثل مسائل تحریم‌های بانکی و امثال آن می‌خواهند توافق کنند و برای آن هم نباید اینقدر هزینه زیاد بدهند. درخشان در مناظره اخیر با غنی‌نژاد نیز حرف‌های عجیبی زد. او حتی اعتبار گولگ را هم زیر سوال برد. درخشان منکر سیستم بازار جهانی است. این باورهای باعث ضعف تیم اقتصادی دولت سیزدهم شد که به واسطه دانشگاه امام صادق (ع) و برخی جریانات سیاسی تحت تاثیر افکار درخشان هستند. اقتصاد عملی است مبتنی بر واقعیات، محاسبات و با توجه به واقعیت‌های جهانی برای اصلاح دولت‌ها و بلندپروازانه ندارد. شاید به همین علت باشد که با وجود تاثیر کل کابینه دولت از جریان راست گرای دانشگاه امام صادق (ع) اما تغییرات اصلی دولت در بخش اقتصادی رخ داده است. واقعیات اقتصادی قدرتمندتر هستند و به سرعت خود را در اعداد و ارقام و زندگی روزمره مردم نشان می‌دهند. این واقعیات محکم است در سیاست خارجه، فرهنگ، جامعه دیرتر خود را به نمایش بگذارند اما در واقعیت، تفاوتی با مسائل اقتصادی ندارند.